

جایگاه قصه‌گویی در آموزش کودکان کجاست؟



قصه‌گویی فضایی را برای کودک به‌وجود می‌آورد که موجب تقویت قوه‌ی تخیل او می‌شود و پرورش تخیل در کودکان آثار مثبت بسیاری را در رشد روحی و ذهنی آنها به‌جای خواهد گذاشت، ازجمله اینکه با تقویت قوه‌ی تخیل و امکان پرورش استعدادهاي دروني و شکوفایی توانایی‌های بالقوه‌ی کودک فراهم می‌شود و مادر و پدر بهتر می‌توانند به علایق و استعدادهاي فرزند خود پی ببرند.

قصه‌گویی فضایی را برای کودک به‌وجود می‌آورد که موجب تقویت قوه‌ی تخیل او می‌شود و پرورش تخیل در کودکان آثار مثبت بسیاری را در رشد روحی و ذهنی آنها به‌جای خواهد گذاشت، ازجمله اینکه با تقویت قوه‌ی تخیل و امکان پرورش استعدادهاي دروني و شکوفایی توانایی‌های بالقوه‌ی کودک فراهم می‌شود و مادر و پدر بهتر می‌توانند به علایق و استعدادهاي فرزند خود پی ببرند.

به گزارش سلامت نیوز، «یکی بود یکی نبود»، اما واقعیت این است که نبود برخی فاکتورها در زندگی، بدهای بسیاری را تحت‌الشعاع خود قرار می‌دهد! یکی از مشکلاتی که امروز جامعه‌ی ما با آن دست‌به‌گریبان است، ناتوانی افراد در شنیدن حرف‌های یکدیگر است. بیشتر ما ترجیح می‌دهیم حرف بزنییم و نظرات خود را به کرسی بنشانیم تا اینکه در مورد سخنان دیگران اندکی تامل کنیم. بسیاری از اوقات حتی در گفت‌وگوهای دوستانه و دونفره هم دیده می‌شود که گویا مشغول گوش دادن به حرف دیگری هستیم، اما در واقع بیشتر از شنیدن در ذهن خود به جواب بعدی که می‌خواهیم بدهیم و حرف‌های تکمیلی خود فکر می‌کنیم! یکی از راه‌هایی که به تقویت و افزایش مهارت گوش کردن کمک می‌کند، در نظر داشتن اهمیت قصه‌گویی در دوران کودکی‌ست. قصه و قصه‌گویی شاید به‌طول تاریخ بشر قدمت داشته باشد و کمتر مادری را بتوان یافت که قصه‌ای برای فرزند خود در قالب داستان‌های شبانه، شعر و لایایی تعریف نکرده باشد.

روایت افسانه‌ها و داستان‌ها و به‌طور کلی قصه‌گویی تاثیرات بسیاری در رشد و پرورش ذهنی و شخصیتی کودک دارد. در دنیای امروز به‌نوعی جزو ارکان آموزش به‌شمار می‌رود. اهمیت آموزش از این طریق را می‌توان از جنبه‌های مختلف مورد بررسی قرار داد. ازجمله اینکه تجربه نشان می‌دهد آموزش به شیوه‌ی غیرمستقیم تاثیرات عمیق‌تر و بیشتری را به‌جای می‌گذارد، به‌ویژه در مورد کودکان پیشرو و آگاه امروز که از نصیحت و پند و اندرزهای تکراری گریزان هستند و نسبت به توصیه‌های مستقیم از خود مقاومت نشان می‌دهند، بیان مسائل و شیوه‌های صحیح رفتاری در قالب داستان و به شیوه‌ای غیرمستقیم کارآمدتر به‌نظر می‌رسد، زیرا در این حالت توجه هشیار کودک به داستان و شخصیت‌های موجود در قصه معطوف است، اما در همین حین پیام‌ها و توصیه‌های لازم را ضمیر ناخودآگاه او دریافت خواهد کرد.

باید در نظر داشت قدرت همذات‌پنداری و تخیل کودکان بسیار بالاست و به‌راحتی قادر هستند خود را به‌جای شخصیت‌های محبوب قصه‌ها قرار دهند و از سوی دیگر میل به قهرمان‌پروری و قهرمان بودن آنها را به انجام الگوهای رفتاری که توسط والدین به‌صورت جهت‌دار در قالب شخصیت‌های قصه مطرح می‌شود، ترغیب و تشویق خواهد کرد. ضمن اینکه قصه‌گویی فضایی را برای کودک به‌وجود می‌آورد که موجب تقویت قوه‌ی تخیل او می‌شود و پرورش تخیل در کودکان آثار مثبت بسیاری را در رشد روحی و ذهنی آنها به‌جای خواهد گذاشت، ازجمله اینکه با تقویت قوه‌ی تخیل و امکان پرورش استعدادهاي دروني و شکوفایی توانایی‌های بالقوه‌ی کودک فراهم می‌شود و مادر و پدر بهتر می‌توانند به علایق و استعدادهاي فرزند خود پی ببرند. از سوی دیگر، نباید از یاد برد که تقویت قوه‌ی تخیل گسترش افق و خیال‌پردازی کودک در پیشرفت او در زمینه‌ی علوم مختلف نیز بسیار حائز اهمیت است. چنانچه اگر دقت کنیم زمینه‌ی بسیاری از اختراعات و اکتشافات بشری از قوه‌ی تخیل نشأت گرفته و بیشتر مخترعین افرادی بودند که می‌توانستند از قوه‌ی تخیل خود بهترین استفاده را ببرند. برای مثال، گفته می‌شود «داوینچی» از رابطه‌ی میان صدای زنگ و سنگی که در آب می‌افتد، به کشف حرکت موجی صدا نائل شد.

دکتر پایور، جامعه‌شناس معتقد است: «یکی از ویژگی‌های اجتماعی قصه تفسیرهای متعدد و متنوعی‌ست که مخاطبین از یک داستان در ذهن خود ارائه می‌دهند و الزاما با روایت اصلی نویسنده همخوانی ندارد که از لحاظ جامعه‌شناسی تاویل‌گرا این امر موضوعی پذیرفته‌شده و قابل قبول است. بنابراین، بچه‌ها نیز با شنیدن یک قصه ممکن است تفسیرهای متعدد و گوناگونی داشته باشند که در بسیاری از موارد خود آن تفسیرها، ایده‌هایی ناب است.»

مورد دیگر اینکه در قالب قصه و داستان به‌راحتی و زیبایی می‌توان میراث فرهنگی و ملی را به کودکان منتقل کرد و خصلت‌های پسندیده‌ای همچون شجاعت، درستکاری، مهربانی، گذشت و... را که در آثار و ادبیات داستانی ایران نیز به وفور یافت می‌شود، به کودک منتقل کرد. اما با گذشتن از دوره‌ی خردسالی و ورود کودک به جامعه‌ای بزرگ‌تر مثل مدرسه اهمیت قصه و قصه‌گویی نه‌تنها کم‌رنگ‌تر نمی‌شود، بلکه کارکردهایی به‌مراتب بیشتر و عمیق‌تر خواهد یافت. زیرا نه‌تنها آموزش بسیاری از اصول تربیتی از این طریق میسر می‌شود بلکه در آموزشی بهتر علوم مختلف نیز می‌تواند نقشی سازنده ایفا کند.

هرچند امروزه متاسفانه در مدارس هدف اصلی تعلیم و تربیت پرورش افرادی مبدع، خلاق و مبتکر نیست و آموزش‌های غیرفعال همراه شیوه‌های خشک و غیرمنعطف آموزشی ذهنیت بچه‌ها را از مدرسه شکل می‌دهد، به طوری که تصویر امتحان، نمره، اضطراب و دروسی خشک و تئوریک اولین پنداشت هر دانش‌آموزی از دوران مدرسه است. بدیهی‌ست در چنین شرایطی که لذت‌بخش‌ترین خاطره‌ی کودکان از حضور در مدرسه به رابطه با دوستان و هم‌کلاسی‌های‌شان برمی‌گردد و به عبارت بهتر بخش عمده‌ی پرورش دانش‌آموزان در سایه‌ی کنش‌های عاطفی و رفتاری در جمع‌های دوستانه میسر می‌شود، توجه به قصه و قصه‌گویی جایگاهی در مسائل پرورش و آموزشی نخواهد داشت. درحالی‌که در طول تاریخ علی‌رغم توسعه‌ی صنعتی جوامع و پیشرفت‌های سریع تکنولوژی هنوز هم قصه و زبان ساده روایت نقش مهمی در تفهیم و بیان مسائل آموزشی دارد. به‌نحوی که امروز در جوامع پیشرفته و سیستم‌های نوین آموزشی توجه به این وجه از آموزش بسیار مد نظر است و در نظام‌های کارآمد آموزش و پرورش امروزه در بسیاری از موارد از شیوه‌ی روایت و قصه‌گویی برای فهم مسائل مختلف از جمله آموزش زبان، الفبا، موسیقی و... استفاده می‌شود.

جای افسوس دارد که در کشور ما با وجود پیشینه‌ی غنی و ارزشمندی که در زمینه‌ی اسطوره‌سازی، افسانه و داستان‌پردازی وجود دارد، توجه به این مسئله در مدارس ما کم‌رنگ و ناچیز است، درحالی‌که پرورش حس زیبایی‌شناسی، تکوین شخصیت کودک و آموختن کلمات تازه از نتایج طرح قصه‌های هدفمند و دلنشین برای بچه‌هاست و نحوه‌ی رویارویی با مسائل معاشرت با دیگران را به بهترین شیوه به کودکان آموزش می‌دهد. استفاده از شیوه‌های تلفیقی در آموزش نیز همواره مورد توجه بوده است و بر همین اساس قصه‌گویی در نظام آموزشی نیز می‌تواند با اشکال مختلف درسی آمیخته و با برنامه‌ریزی‌های صحیح و اصولی در جهت آموزش بهتر کودکان گام بردارد. از آنجایی که برخی از درون ذهنی دانش‌آموز به شکل هیولایی دست‌نیافتنی درآمده است، می‌توان با تلفیق درس مذکور پارامترهای جذاب و آشنا مثل قصه این مشکل را تا حد زیادی مرتفع کرد و مقدمات آشتی کودکان را با درس‌های به‌ظاهر خشک و غیرمنعطف فراهم آورد. هرچند باید به این مسئله نیز توجه داشت که ارائه‌ی شیرین و صحیح قصه نیز بسیار حائز اهمیت است و در نتیجه تربیت و آموزش قصه‌گویی به معلمانی که از این قابلیت برخوردار باشند، از ارکان اصلی آموزشی به این شیوه است تا بتواند ضمن ایجاد عشق و علاقه نسبت به ادبیات، در تقویت نیروی تخیل کودک، بالا بردن قدرت بیان و امکان بروز عواطف و آموزش‌های تربیتی و اخلاقی به کودکان موثر باشد. افزون بر معلمان و اولیای مدرسه نقش بسته‌های کمک‌آموزشی نیز بسیار حائز اهمیت است. برای مثال، یکی از شیوهایی که در کشورهای اروپایی و آمریکا مورد استفاده قرار می‌گیرد این است که قهرمانان داستان‌ها و افسانه‌های مشهورشان را به شکل عروسک و ماکت‌های مختلف ساخته و در خانه و مدارس از طریق آنها داستان‌ها را روایت می‌کنند که این روش نیز می‌تواند قدرت تجسم، ارتباط با شخصیت‌های داستان و حوادث مرتبط با آن را در ذهن کودک بالا برده و در نتیجه‌ی به‌کارگیری چنین روش‌هایی تأثیرات قصه و قصه‌گویی نیز صدچندان شود.

پس از یاد نبریم که دقایق کوتاه قصه‌های شبانه نقش عمیق و ماندگار را در ذهن کودکان برجای خواهد گذاشت، نقشی که می‌توان آن را با ورود به مدرسه، رنگ و بوی جدی‌تر و کارآمدتر بخشید. درعین‌حال نباید از یاد برد که برخی مسائل در ظاهر کم‌اهمیت و همیشگی، تأثیرات پایداری را نه‌تنها در زندگی کودکان بلکه در شکل بخشیدن به فردای جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنیم، ایفا می‌کند. چه بسا قصه‌های کوتاه شبانه، کودکان ما را برای آینده‌ی نه‌چندان دوری آماده کند که به‌عنوان یک شهروند تأثیرگذار بتوانند حرف‌ها را آنچنان خوب بشنوند و تجزیه و تحلیل کنند که کمتر بتوان حقی از آنها تزیین کرد.